



اهمیت و نقش مدیریت کارآمد در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر زابل)

عباسعلی پیری‌جور^{۱*}، علیرضا شهبازی^۲.

۱- گروه جغرافیا- دانشکده ادبیات و علوم انسانی- دانشگاه زابل- زابل- ایران.

۲- گروه جغرافیا- دانشکده ادبیات و علوم انسانی- دانشگاه زابل- زابل- ایران.

تحقیق حاضر، نقش مدیریت کارآمد شهری در توسعه پایدار و دلایل عدم کامیابی کامل آن را با روش توصیفی و تحلیلی مورد بحث قرار داده است. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق ساخته که روایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۹ تعیین شده، استفاده شده است. با توجه به بررسی‌های انجام گرفته، در بین موانع تأثیرگذار در مدیریت کارآمد شهری با در نظرگیری نمره هر سؤال که از ۱ تا ۱۰۰ متغیر بود، استقلال‌طلبی سازمان‌های مسئول در سیستم مدیریت شهری با نمره ۹۱/۶ بیش‌ترین تأثیر را به خود نسبت داده بود.

چکیده

شهر زابل در چند دهه اخیر، به‌خصوص بعد از خشکسالی‌ها، مقصد شمار قابل توجهی از مهاجرت‌های روستا شهری بوده است، که این مسئله باعث رشد فیزیکی و جمعیتی شهر و به طبع آن شکل‌گیری معضلاتی در رابطه با مدیریت شهری و در نهایت، توسعه پایدار این شهر شده است. امروزه مدیریت کارآمد شهری، دارای ماهیت چندوجهی است و لازمه رسیدن به اهداف آن نیازمند همکاری همه دستگاه‌های زیربنا با رعایت سلسله‌مراتب منطقی بدون در نظرگیری محل سازمانی آن‌ها است. از طرف دیگر، توسعه پایدار نیز با دارا بودن بیش از ۱۰۰ تعریف با سمت و سوهای مختلف و در ادامه با نتایج متفاوت مدیریت کارآمد بلندمدت شهری را با چالش مواجه ساخته است؛ بنابر این، مقاله حاضر، تعاریف مختلفی از این فرایند را در نظر می‌گیرد. هدف عمده از این مقاله، ارائه راه‌کارهایی در رابطه با تقویت کارآمدی در سیاست‌های مربوط به مدیریت و توسعه شهری زابل می‌باشد که باعث ایجاد ارتباط مداوم و پایدار بخش‌های مختلف رسمی و غیررسمی و در نتیجه دستیابی به شاخص‌های مربوط به توسعه پایدار شهری می‌شود که این امر در نهایت از سویی باعث دستیابی به شهر پویا و زیست‌پذیر و از سوی دیگر، ارائه‌دهنده روش‌های تسهیل‌گر تصمیمات مشارکتی و راهکارهای جدید برای پاسخگویی مناسب به چالش‌های پیش رو است. به همین دلیل،

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۳

واژه‌های کلیدی: مدیریت کارآمد شهری، توسعه پایدار، مدیریت یکپارچه، زابل.

* نویسنده مسئول، پست الکترونیکی: piry.abasali@gmail.com



۱. مقدمه

برای دستیابی به توسعه پایدار شهری در ایران، عدم چشم‌انداز روشن اهداف و شاخص‌های توسعه پایدار می‌باشد [۷].

۱-۱. بیان مسئله

رشد سریع شهر زابل، ناشی از مهاجرت و همچنین افزایش طبیعی جمعیت شهر، مشکلاتی را در ارائه خدمات متناسب با میزان افزایش جمعیت شهری به وجود آورده است که خود به عنوان یکی از موانع اصلی اجرای وظایف و ارائه خدمات شهری کافی به شهروندان می‌گردد. از سوی دیگر، این شهرنشینی، فرایندی است که منجر به ایجاد ساخت و سازهای بدون برنامه‌ریزی و تغییرات زیادی در ساختار فضایی به خصوص گسترش شهر زابل در زمین‌های کشاورزی شده است. این امر، لزوم هدایت آگاهانه و سازماندهی اساسی و طراحی فضایی مناسب با هدف جلوگیری از تصرف زمین‌های کشاورزی را بیش از پیش گوشزد می‌کند.

این امر توأم با عدم رغبت مردم این شهر برای مشارکت در فعالیت‌های عمران شهری که تا حد زیادی ریشه در شیوه نظام اداری متمرکز دارد، از عواملی هستند که توانایی مسئولان را در تأمین نیازهای ساکنان شهری با مشکل مواجه می‌سازد؛ بنابراین، کارکرد مدیریت شهری کارآمد به عنوان یک نهاد مدیریتی فراگیر و درگیر با موضوع‌ها و پدیده‌های بسیار گسترده و متنوع شهر و شهرنشینی ضروری است تا نهایتاً دستیابی به توسعه انسانی پایدار در شهر میسر گردد. نوشته حاضر نیز در همین راستا و در خصوص آشکارسازی دلایل عدم تحقق مدیریت کارآمد شهری و نقش آن در توسعه پایدار شهر زابل انجام گردیده است.

۲-۱. هدف تحقیق

برجسته‌سازی موانع فراروی مدیریت کارآمد شهری در راستای دستیابی به توسعه پایدار شهر زابل.

۳-۱. سؤال تحقیق

با توجه به مسائل و مشکلات شهر زابل، سؤال تحقیق به این صورت، مطرح می‌گردد: موانع فرا روی مدیریت کارآمد شهری در راستای دستیابی به توسعه پایدار شهر زابل چیست؟

۴-۱. پیشینه تحقیق

بابایی و ابراهیمی، در سال ۱۳۹۵ در پژوهشی تحت عنوان «مطالعه و بررسی مؤلفه‌های مدیریت کارآمد در شهر اصفهان» به مطالعه و بررسی مؤلفه‌های مدیریت کارآمد در شهر اصفهان پرداخته‌اند. بدین منظور مؤلفه‌های مدیریت کارآمد شهری شناسایی و تبیین شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که مهم‌ترین عامل دستیابی به یکپارچگی، ایجاد مدیریت واحد شهری است. راهکارهای اصلی برای رسیدن به این امر شامل ایجاد انسجام، هم‌پایانی، هماهنگی، دیدگاه

امروزه شهر و در داخل آن مدیریت شهری، محل تلاقی سلاقی مختلف با جهت‌گیری‌های متفاوت است. طبیعی است که این ناهمگونی‌ها در صورت عدم ارتباط سالم، فعال و پویا، روند توسعه طبیعی شهر را دچار مشکلات مختلفی ساخته و کنترل شهر را در میان مدت و بلندمدت با شکست روبه‌رو خواهد ساخت. شهر زابل نیز به عنوان دومین شهر بزرگ استان سیستان و بلوچستان مستثنی از این فرایند نیست. این شهر با وجود موقعیت سوق الجیشی بین روستا و بخش‌های تابعه، دارای مشکلات گسترده‌ای در رابطه با مدیریت کارآمد شهری است، که این مسئله رشد و توسعه سیستماتیک و معقول شهر را با حرف و حدیث‌های اساسی روبه‌رو ساخته است. معیارهای تشخیص شهر از گونه‌های غیر خود، به طور معمول، میزان جمعیت، شغل غالب مردم ساکن، وجود شهرداری و مواردی این‌گونه بوده است. امروزه، شهرها، از دو بعد مهم، اهمیت یافته‌اند: یکی، به عنوان مرکز تجمع گروه زیادی از مردم و دیگری به عنوان اصلی‌ترین بازیگر نقش اقتصادی-سیاسی در کل اقتصاد ملی. از این رو، باید به دغدغه‌های آن‌ها، توجه بیشتری معطوف کرد؛ زیرا در حالتی که برنامه‌ریزی دقیق و کارشناسی، سبب رشد و توسعه اقتصادی، تثبیت جایگاه سیاسی و افزایش مشارکت شهروندان در امور شهرها می‌گردد، شکست در حل مشکلات و مسائل شهری، سبب رکود اقتصادی، نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی، فقر، بیکاری و تخریب محیط‌زیست خواهد شد [۱]. از سوی دیگر، شهر نیز باید تمام ظرفیت‌های اقتصادی و اجتماعی خود را برای ایجاد توسعه شهری پایدار بدون آسیب رساندن به محیط طبیعی و دستیابی به موازنه بین منابع طبیعی و انسانی به کار بندد [۲]. در این سیستم است که توسعه پایدار شهری به عنوان نگاهی جدید برای راهنمایی آژانس‌های برنامه‌ریزی برای قرن ۲۱ مطرح می‌شود. [۳]. دستیابی به این تعادل بر اساس سیستمی که از سویی نشأت گرفته از مشارکت شهروندان و از سوی دیگر اطلاعات علمی که با تجزیه و تحلیل‌های تجربی به دست می‌آید امکان‌پذیر است [۴].

در این مرحله است که برنامه‌ریزی شهری به عنوان ابزاری قاعده‌مند، برای ایجاد تعادل بین جنبه‌های مختلف برنامه‌ریزی و ارتقا ارتباط بین برنامه‌ریز، سازمان‌های متولی و اجتماعات محلی وارد کار می‌شود. [۵]. همچنین، نقش برجسته‌ای در ایجاد توسعه شهری پایدار به منظور تعادل بخشی بین چهار جنبه اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و دولتی می‌شود که از سویی باعث دستیابی به شهر مولد و قابل زیست [۶] و از سوی دیگر ارائه‌دهنده ابزارهای جدید و مشارکتی برای تصمیم‌گیرندگان است.

با اینکه در برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم توسعه، بندهایی در رابطه با توسعه پایدار شهری قید شده است، اما هنوز هم رایج‌ترین مانع

همکاران در سال (۲۰۱۱) و روی^۹ در سال (۲۰۰۹)، اصطلاح «پایداری شهر» یا «شهر پایدار» را برای ایده‌آلهایی همچون استفاده مناسب از منابع حفاظت از محیط‌زیست طبیعی، صرفه‌جویی در استفاده از منابع تجدیدناپذیر، رشد و تنوع اقتصادی، اجتماعات خودکفا، به‌کار برده‌اند.

یکی از مهمترین تحولات در عصر کنونی، مسائل مربوط به توسعه پایدار شهرها و جوامع پایدار می‌باشد. این تفکر اگرچه در ابتدا در حوزه‌های طبیعی مطرح گردید، اما کم‌کم در شهرها به عنوان یکی از اصلی‌ترین بخش‌های تراکمی کره زمین مورد توجه قرار گرفت. چرا که گسترش شهرها و توسعه غیر قابل وصف مکان‌های شهری و به دنبال آن مشکلات خاص زندگی شهری، بیش از پیش توجه به راهبردها و چاره‌جویی برای بهینه‌سازی زندگی شهروندان را ضروری ساخت. این شرایط نشان می‌داد که برای دستیابی به توسعه پایدار باید به الگوی مدیریت کارآمد شهری دست پیدا نمود و آن را در عالم واقعی مورد بهره‌برداری قرار داد [۱۳].

۲. مدیریت شهری

اگر مدیریت به درختی تشبیه شود که شاخه‌های گوناگونی مانند مدیریت صنعتی، مدیریت مالی و چون این‌ها دارد، یکی از شاخه‌های جدید این درخت، مدیریت شهری است. روشن است که مشخصات و ساختار نهادهای قانونی اداره‌کننده شهر، از کشوری به کشور دیگر، تفاوت دارد و هر جامعه‌ای، با توجه به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خود، تعریف یا تلقی ویژه‌ای از مدیریت شهری دارد.

برای اداره موفق شهر نمی‌توان از مدیریت‌های جداگانه و هدایت‌گرهای بخشی بهره گرفت. اگر هر یک از عناصر مجموعه مدیریت شهر، بنا به حوزه اختیارات خود برای شهر تصمیم بگیرند و از منظر خرد و بخشی‌نگری به شهر بنگرند، ناهماهنگی تصمیمات در بُعد کلان، مشکلات عدیده‌ای را پیش خواهد آورد، که بدون تعارف می‌توان بخشی از مسائل کنونی را حاصل این تفرق و عدم یکپارچگی مدیریت شهر دانست [۱۲].

آمیختگی بین مدیریت و شهر، مفهوم ساماندهی به امور مربوط به برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل در محدوده شهر را تداعی می‌نماید. مفهومی که در کشورهای مختلف به دلیل ساختارهای سیاسی و رویکردهای اقتصادی، نهادهای مختلف با الگوهای متفاوتی در خود درگیر دارد.

سیستمی، تعامل در دستگاه‌های اجرایی متولی امور شهری و تحقق حکمروایی خوب در سطح شهر اصفهان است [۸].

کاظمیان و عابدینی، در سال ۱۳۹۰ در پژوهشی تحت عنوان «آسیب‌شناسی مدیریت کارآمد شهری در تهران از منظر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری» به شناسایی عوامل مؤثر بر یکپارچگی مدیریت شهری در سطح سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در سطح تهران پرداخته‌اند. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که سه عامل، شامل تعداد عناصر و کنشگران ذیربط و در نتیجه، روابط متفرق میان‌سازمانی در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، ساختار توزیع قدرت در میان عناصر ذیربط، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری و عوامل مرتبط با منابع و ابزارهای قدرت و حاکمیت در موضوع تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری، شامل قوانین و مقررات موجود شهری، زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی و توانمندی مالی مدیریت شهری از جمله عوامل مؤثر بر عدم یکپارچگی سیاست‌گذاری در مدیریت شهری هستند [۹].

سترن^۱ در سال ۱۹۹۳ میلادی، طی مقاله‌ای در نشریه شهرها (Cities) بیان می‌کند که اصول کلی، برای فهم مدیریت شهری وجود ندارد و مفهوم اصلی این واژه بسیار گیج‌کننده است [۱۰].

پترسن^۲ و ساها^۳ در سال (۲۰۰۸)، در بازبینی‌هایی که بر روی آثار پروتنی^۴ (۲۰۰۳) جیسن^۵ (۲۰۰۴) و کونروی^۶ (۲۰۰۶) داشته‌اند، برای رسیدن به شهرنشینی پایدار چهار جنبه را بیان کرده‌اند که عبارت است از: حفاظت زیست‌محیطی، توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و تساوی حقوق، اداره شهر (حکومت) [۱۱].

پایداری شهری، تمامی جنبه‌های رشد و پویایی شهر را شامل می‌گردد. مناطقی که تنها از یک جنبه اقتصادی یا اجتماعی یا فرهنگی و یا غیره رشد می‌یابند، در حقیقت به توسعه پایدار نرسیده و یا پایداری را درک نکرده‌اند.

پایداری در شهرها، مستلزم جامع‌نگری در مکان و زمان برای شهرها می‌باشد. شهرها به مثابه سیستم‌های باز، برخوردی نظام‌مند و جامع نسبت به آن‌ها در سطحی کلان می‌تواند توسعه پایدار در مناطق شهری را فراهم سازد [۱۲].

ساها و پاترسون، بیشتر بر روی جنبه‌های زیست‌محیطی، اقتصادی و تساوی حقوق تأکید کرده‌اند. هولینگ^۷ (۱۹۷۳) بیان می‌کند که شهر، محلی است که اجتماعات انسانی همگرا شده و به صورت مشارکتی گسترش می‌یابند؛ و بدین ترتیب به عنوان محل مهمی برای فعالیت‌های اجتماعی و توسعه‌ای تبدیل می‌شود. شنت^۸ و

7 Holing.

8 Shenet.

9 Roy.

10 confidence.

1- Strern.

2- Paterson.

3- Saha.

4- Proteny.

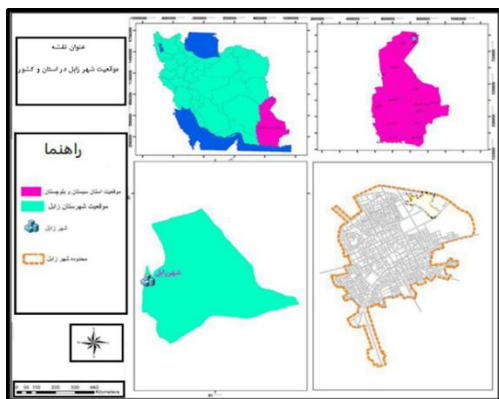
5- Jepson.

6- Conroy.

خروجی حاصل از این اقدامات می‌تواند دربرگیرنده توسعه مکان‌یابی مؤثر، آب تمیز، سیستم فاضلاب مناسب، استفاده از زمین‌های بایر و خدمات آموزشی و درمانی و غیره باشد.

۳. موقعیت منطقه مورد مطالعه

استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران قرار دارد. شرق این استان، هم‌مرز کشور پاکستان و شمال شرق با افغانستان هم‌مرز هست. منطقه سیستان در منتهی‌الیه شرقی کشور ایران و در شمالی‌ترین قسمت استان خود، یعنی سیستان و بلوچستان واقع شده است. این منطقه بین ۳۰ درجه و ۷ دقیقه الی ۳۱ درجه و ۲۹ دقیقه عرض شمالی و ۵۹ درجه و ۵۸ دقیقه الی ۶۱ درجه و ۵۰ دقیقه طول شرقی قرار دارد. شهر زابل به عنوان مهم‌ترین شهرستان سیستان ۴۸۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. وسعت این منطقه حدود ۱۵۱۹۷ کیلومترمربع می‌باشد که از شمال غرب با خراسان جنوبی، از شمال، شرق و جنوب شرق با کشور افغانستان، از جنوب با شهرستان زاهدان و در غرب با شهرستان نهبندان و کویر لوت هم‌جوار است. فاصله مرکز شهرستان تا مرکز استان حدود ۲۱۳ کیلومتر است. این شهرستان دارای تعداد ۶ مرکز شهری و ۵ بخش و ۱۷ دهستان می‌باشد. این شهر (شهر زابل) جزء شهرهای دارای فرمانداری ویژه می‌باشد.



شکل ۱: موقعیت محدوده مورد مطالعه.

۴. روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی از نوع کاربردی می‌باشد. به دلیل عدم وجود ابزار استاندارد تحقیق، داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته، بعد از اینکه روایی آن از طریق روایی منطقی به دو شکل ظاهری و محتوایی و مشورت با استادان و صاحب‌نظران مربوط و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ که در حدود ۰/۸۹ به دست آمده است و تأیید گردید؛ جمع‌آوری شده است.

جامعه آماری و تعداد نمونه

جامعه آماری مورد مطالعه، ارگان‌ها و سازمان‌های مسئول در سیستم مدیریت شهر زابل می‌باشند. بر این اساس، جامعه آماری، شامل

سازمان ملل متحد، برای ارتقای مدیریت شهری و تقویت مردم‌سالاری، بر پاره‌ای از موضوع‌ها و اولویت‌ها تأکید ویژه دارد که عبارت‌اند از [۱۴].

- بازنگری در جایگاه و کارکردهای دولت؛
- تلاش برای تعیین راهبردهای شهر با مشارکت نهادها و شهروندان؛
- شفافیت کارکرد مالی در تمام سطوح؛
- جریان آزاد اطلاعات، به عنوان لازمه شفافیت و مشارکت؛
- تأکید بر جایگاه رهبری مدیریت شهری؛
- وجود ضابطه‌های اخلاقی برای رفتار مدیریت شهری.

از نظر بانک جهانی، مدیریت شهری، یک فعالیت شبه تجاری برای دولت است. به عبارت دیگر، مدیریت شهری یعنی اداره امور شهری و کارایی بیشتر برای استفاده از وام‌های بانک جهانی است. بعضی اوقات مدیریت شهری به عنوان ابزاری برای اجرای سیاست شهری در نظر گرفته می‌شود که به مفهوم علم اداره جامعه است [۱۵].

اهداف مدیریت شهری:

- ارتقای شرایط کار و زندگی همه جمعیت شهر با توجه به افراد و گروه‌های کم درآمد؛
- تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار؛
- حفاظت از محیط کالبدی شهر.

بدین ترتیب «مدیر شهری» با «مدیر شهرداری» تفاوت‌های بسیار دارد، چه اینکه اولی، مسئول ارتقای قابلیت‌ها و توانمندی‌های شهر و شهرنشینان است، درحالی‌که دومی، بیشتر مجری است و پاسخگویی آن تنها محدود به نحوه عملکرد است و نه نتایج و پیامدها.

امروزه، مشارکت و تعامل، مفاهیمی محوری در مدیریت شهری‌اند. مدیریت شهری می‌کوشد تا بین نهادهای عمومی، خصوصی و مدنی، رقابت و توازن ایجاد کند. همچنین، می‌کوشد تا بین سه وجه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تعادل و هماهنگی فراهم نماید تا زمینه‌های پیدایی شهر کارآمد را فراهم کند.

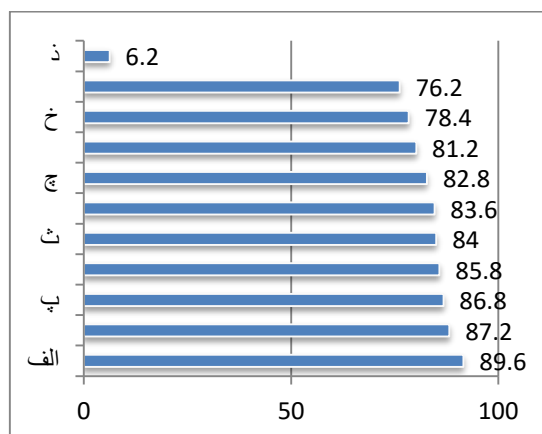
اقدامات بایسته در راستای نیل به هدف توسعه شهری [۱۶] وجود یک راهبرد مدیریت جامع شهری؛

- تمرکز شهر و در برگرفتن چالش توسعه‌سازمانی (که)؛
- تشویق ارتباطات بین بخشی و متعاقب آن مداخلات هماهنگ (که)؛
- حصول اطمینان از ارتباط مستقیم بین برنامه‌ریز و بودجه‌بندی؛
- در برگرفتن بخش‌های غیررسمی به عنوان قسمتی از چالش ساخت شهر.

جدول ۱: موانع فراروی مدیریت کارآمد شهری، مأخذ: نگارندگان،

۱۳۹۸

ردیف	موانع موجود برای دستیابی به مدیریت کارآمد شهری	شدت تأثیر (از ۱۰۰)
الف	عدم وجود مدیریت واحد شهری و استقلال طلبی سازمان‌های مسئول	۸۹/۶
ب	تعدد دستگاه‌ها و سازمان‌های مسئول	۸۷/۲
پ	عدم وجود نیروهای متخصص و کارآمد در زمینه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری	۸۶/۸
ت	عدم گزینش صحیح مدیران آگاه و متخصص در زمینه مدیریت شهری	۸۵/۸
ث	عدم وجود مشارکت و هماهنگی بین سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف	۸۴
ج	عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر	۸۳/۶
چ	عدم وجود نظارت بر عملکرد سازمان‌ها	۸۲/۸
ح	ضعف فرهنگ شهرنشینی شهروندان	۸۱/۲
خ	عدم وجود قوانین و مقررات جدید و مشخص و عدم دارا بودن ضمانت اجرایی این قوانین	۷۸/۴
د	عدم وجود برنامه‌هایی با زمان‌بندی مشخص جهت اجرای پروژه‌ها	۷۶/۲
ذ	گسترش اندام‌واره شهر	۶/۲



شکل ۲: وزن هر یک از موانع تأثیرگذار بر مدیریت کارآمد، مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸.

۵. نتیجه‌گیری

مدیریت کارآمد شهری، دیدگاه نوینی است که برای حل معضلات کنونی شهری در سال‌های اخیر مطرح شده است. این رویکرد به

کارکنان سازمان‌های شهرداری و مسکن و شهرسازی شهر زابل می‌باشند که علت انتخاب این ارگان‌ها به دلیل پررنگ‌تر بودن نقش آن‌ها در امور مدیریت شهری است. برای برآورد حجم نمونه، از فرمول کوکران به صورت زیر استفاده شده است.

$$n^0 = z^2 s^2 / d^2 \quad (1)$$

$$n = n^0 / 1 + n^0 / N$$

که در آن N حجم کل جامعه (کارکنان شهرداری و مسکن و شهرسازی شهر زابل) (۴۲۰ نفر)، $z=96/1$ ، s^2 واریانس مؤلفه مورد بررسی (مدیریت کارآمد شهری) d کران خطا (۰/۱) می‌باشد.

ارائه داده‌ها و تجزیه و تحلیل

اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق توزیع پرسشنامه بین پاسخگویان جمع‌آوری شده و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که موانع فراروی مدیریت کارآمد شهری در راستای دستیابی به پایداری در شهر زابل، با توجه به نمره هر سؤال که از ۱ تا ۱۰۰ متغیر است، به ترتیب به شرح ذیل می‌باشد:

اولین و مهم‌ترین عامل از دید پاسخگویان، عدم وجود مدیریت واحد شهری و استقلال طلبی سازمان‌های مسئول در سیستم مدیریت شهری با نمره ۸۹/۶ تعیین شده است. دومین عامل مؤثر، تعدد دستگاه‌ها و سازمان‌های مسئول در سیستم مدیریت شهری با نمره ۸۷/۲ می‌باشد. سومین عامل، عدم وجود نیروهای متخصص و کارآمد در زمینه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری با نمره ۸۶/۸. چهارمین عامل، عدم گزینش صحیح مدیران آگاه و متخصص در زمینه مدیریت شهری با نمره ۸۵/۸.

پنجمین عامل مؤثر در این زمینه، عدم وجود مشارکت و هماهنگی بین سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف در سیستم مدیریت شهری با نمره ۸۴ به دست آمده است.

ششمین عامل، عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر در سیستم مدیریت شهری با نمره ۸۳/۶ است. هفتمین عامل مؤثر، عدم وجود نظارت بر عملکرد سازمان‌ها در سیستم مدیریت شهری ۸۲/۲ تعیین شده است. هشتمین عامل مطرح‌شده، ضعف فرهنگ شهرنشینی شهروندان در سیستم مدیریت شهری با نمره ۸۱/۲ است.

نهمین عامل، عدم وجود قوانین و مقررات جدید و مشخص و عدم دارا بودن ضمانت اجرایی این قوانین در سیستم مدیریت شهری با نمره ۷۸/۴ تعیین شده است.

دهمین عامل مؤثر، عدم وجود برنامه‌هایی با زمان‌بندی مشخص جهت اجرای پروژه‌ها در سیستم مدیریت شهری با نمره ۷۶/۲. یازدهمین و آخرین عامل مؤثر از دیدگاه پاسخگویان، نقش گستردگی و زائر پذیری شهر با نمره ۶/۲ بوده است.

[۱]. س. سعیدنیا، م. کاویانی راد، "افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی"، تهران: سمت، ۱۳۸۳.

[2]. S. Abu-Ghazalah, "The Sustainable City Development Plan for Aqaba, Jordan," *Journal of Developing Societies*, vol. 24, pp. 381-398, 2008.

[3]. M. Whitehead, "(Re)Analyzing the Sustainable City: Nature, Urbanization and the Regulation of Socio-environmental Relations in the UK," *Urban Studies*, vol. 40, 2003. [Online]. Available: <http://urbanmanagement.ir>

[4]. M. Roy, "Planning for sustainable urbanization in fast growing cities: Mitigation and adaptation issues addressed in Dhaka, Bangladesh," *Habitat International*, vol. 33, pp. 276-286, 2009.

[5]. C. Diamantini and B. Zanon, "Planning the urban sustainable development: The case of the plan for the province of Trento, Italy," *Environmental Impact Assessment Review*, vol. 20, pp. 299-310, 2000.

[6]. UN-HABITAT, *Global Report on Human Settlements 2009: Planning Sustainable Cities*, London: Earthscan, 2009.

[7]. [Online]. Available: <http://urbanmanagement.ir>

[۸]. م. بابایی، س. ابراهیمی، "مطالعه و بررسی مؤلفه‌های مدیریت یکپارچه در شهر اصفهان"، فصلنامه اقتصاد شهری، دوره ۱، شماره ۱، ص. ۱۷-۳۶، ۱۳۹۵.

[۹]. غ. کاظمیان، ز. عابدینی، "آسیب‌شناسی مدیریت یکپارچه شهری در تهران از منظر سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری شهری"، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۱، شماره ۴۶، ص. ۲۷-۳۸، ۱۳۹۰.

[۱۰]. ع. پاسبان عیسی‌لو، و. جوادیان، م. غیائی، ح. کیانی اکبر، "بررسی ضرورت و نقش مدیریت یکپارچه شهری در توسعه پایدار شهر پارس آباد"، نخستین همایش ملی مدیریت یکپارچه شهری و نقش آن در توسعه پایدار، سنجند: دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنجند، ۱۳۹۲.

[11]. J. Nematollahi, "Urban Management", [Online]. Available: <https://fa.wikipedia.org/wiki>.

[۱۲]. ح. نصر، "توسعه پایدار در مناطق شهری"، اولین همایش مدیریت توسعه پایدار در نواحی شهری، تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۷۸.

[۱۳]. م. شیدایی، "تحلیل و بررسی الگوی مدیریت یکپارچه در پایداری کلان‌شهر مشهد"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ساری: دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۰.

[14]. R. E. Stren, "Urban management in development assistance: an elusive concept," *Cities*, vol. 10, pp. 120-138, 1993.

[15]. [Online]. Available: <http://www.mardomsalari.com/Template1/Article.a>

[16]. D. Saha and R. G. Paterson, "Local Government Efforts to Promote the 'Three Es' of Sustainable Development," [Online]. Available: ...

دنبال حل یا کاهش دادن ناهماهنگی‌ها و تفرقه‌های موجود در نظام‌های مدیریت شهری است که این هماهنگی از طریق نزدیکی

دیدگاه‌ها، کارآمد کردن سیستم‌ها و عملکردها و کارآمدتر کردن فرایندها به دست می‌آید. به این ترتیب، مدیریت کارآمد شهری زایل، نیازمند بهره‌گیری از پتانسیل‌ها و فرصت‌های موجود بخش‌ها از شهروندان و دولت گرفته تا نهادهای غیردولتی و بخش خصوصی.

با توجه به رشد روزافزون علم مدیریت، توسعه فناوری اطلاعات و نیز ظهور روش‌ها و ابزارهای پیچیده‌تر و متعدد، ایجاد ارتباط و همبستگی بین ارگان‌های مرتبط با مسایل شهر به امری اساسی تبدیل شده است.

واقعیت امر این است که اولین گام برای تحقق مدیریت کارآمد شهری ارتقاء جایگاه شورای شهر زایل است. جایگاهی بسیار فراتر از شورای شهرداری و جایگاهی به‌جامانده از سه، چهار دولت گذشته که خواسته یا ناخواسته مانع از اجرای قوانین برنامه‌های فوق‌الذکر شدند. این مهم نیز به غیر از احقاق حق جدی توسط شورای عالی استان‌ها و تعامل این نهاد با دولت و مجلس شورای اسلامی محقق نخواهد شد.

در رابطه با شهر زایل نیز عوامل متعددی در عدم دستیابی به مدیریت کارآمد شهری در راستای رسیدن به پایداری تأثیرگذارند؛ که این عوامل را می‌توان به سه بخش، شامل بخش ساختاری و سازمانی، بخش همکاری و مشارکت و بخش حقوقی و قانونی تقسیم نمود.

براساس یافته‌های تحقیق، مهم‌ترین چالش پیش روی مدیریت کارآمد شهری در بخش ساختاری و سازمانی بوده، که شامل عدم وجود مدیریت واحد شهری و استقلال‌طلبی سازمان‌های مسئول، که بر اساس برآوردها، ۸۹/۶ تأثیر را به خود اختصاص داده است، تعدد دستگاه‌ها و سازمان‌های مسئول در سیستم مدیریت شهری؛ با ۸۷/۲ عدم وجود نیروهای متخصص و کارآمد در زمینه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری؛ ۸۶/۸ عدم گزینش صحیح مدیران آگاه و متخصص در زمینه مدیریت شهری ۸۵/۸ و همچنین عدم وجود مشارکت و هماهنگی بین سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف در سیستم مدیریت شهری با تأثیر ۸۴ می‌باشند. در بخش همکاری و مشارکت، عدم مشارکت و هماهنگی میان سازمان‌ها و ارگان‌های مسئول، یکی از مشکلات در این حوزه است. اما عامل مهم‌تری که مورد تأکید قرار گرفته است، عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر می‌باشد که خود ضعف سیستم مدیریت شهری را به دنبال دارد. در بخش حقوقی و قانونی؛ عواملی همچون عدم وجود قوانین و مقررات مشخص، ضعف ضمانت اجرایی قوانین، به‌روز نبودن و تعارض بین قوانین و عدم وجود نظارت بر عملکرد سازمان‌ها از مهم‌ترین عوامل می‌باشد.

The importance and role of efficient management in sustainable urban development (case study: Zabol city)

Abaasali Pirijoor^{1*}, Alireza SHahbaazi²

1-Department of Geography - Faculty of Literature and Human Sciences - Zabol University - Zabol - Iran

Abstract

The city of Zabol in recent decades a significant number of destinations from a suburban immigration has been that this is a matter of physical and demographic growth of the city and its copyright to the incidence of problems related to urban management and sustainable development of the city in the end. Integrated management is required for multimodal nature of owns urban reach its objectives requires the participation of all the organs of the logical hierarchy with regardless of the location of the enterprise. On the other hand sustainable development as well as having more than 200 different orientation with definition and continue long-term with the results the integrated management area with different difficulty. This article is based on different definitions of the Brin process takes into consideration The purpose of this article is to provide solutions in relation to strengthening the integrity of the policy relating to the management and urban development of Zabol that creates lasting relationships of various official and unofficial, and thus achieve urban sustainable development-related indicators that it would eventually cause of achieving productive and reliable city environment and on the other hand provide participatory and decisions approaches facilitator serious tools(D) to respond appropriately to issues has been created. For this reason the present research the role of urban sustainable development and integrated management of the reasons for the failure to successfully complete it is descriptive and analytical methods are discussed. To collect data from the researcher that made its reliability using cronbach's alpha 82% specified is used. According to a survey done in between the urban obstacles in an effective integrated management with a view to making the score of each question that was variable from 1 to 100 independence responsible urban management systems with the most influence over the 91/6 to the score itself was attributed.

Keywords: Urban Efficiency Management, Sustainable Development, Sustainable Development, Integrated Management, Zabol.